

اخلاق حکمرانی در نهج البلاغه برای شناسایی و مقابله با فرقه‌های انحرافی

در عصر هوش مصنوعی

زهرا قیصری نیا^۱

چکیده

تحولات فناورانه معاصر، به‌ویژه در عرصه هوش مصنوعی، فرصت‌ها و تهدیدهای بی‌سابقه‌ای را پیش‌روی جوامع بشری قرار داده است. یکی از مهم‌ترین تهدیدها، گسترش فرقه‌های انحرافی و جریان‌های فکری کاذب در بستر رسانه‌های نوین و الگوریتم‌های هوشمند است؛ جریان‌هایی که با بهره‌گیری از قدرت داده، الگوسازی رفتاری و تکنیک‌های روان‌شناختی، هویت دینی و فرهنگی جوانان را هدف قرار می‌دهند. پرسش بنیادین این پژوهش آن است که «اخلاق حکمرانی در نهج البلاغه» چه راهبردی برای شناسایی و مقابله با این فرقه‌ها در عصر دیجیتال ارائه می‌دهد؟ این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر نهج البلاغه و آثار اندیشمندان مسلمان شیعه، اصول اخلاقی حکمرانی علوی را بازخوانی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اصولی همچون عدالت، عقلانیت انتقادی، نظارت اجتماعی، تربیت ایمانی و صیانت فرهنگی می‌تواند الگویی کارآمد برای مواجهه با انحرافات فکری نوظهور در بستر فناوری‌های هوش مصنوعی فراهم آورد. مقایسه تطبیقی با نظریه‌های غربی در حوزه حکمرانی دیجیتال آشکار می‌سازد که در حالی که الگوهای سکولار عمدتاً بر کنترل داده و قدرت سخت متمرکزند، حکمرانی علوی با ترکیب عدالت و معنویت، به بازسازی هویت ایمانی جامعه پرداخته و توان مقاومت فرهنگی و معرفتی را افزایش می‌دهد. در نتیجه، حکمرانی علوی می‌تواند بنیانی برای طراحی مدل اخلاقی در بهره‌گیری از هوش مصنوعی و مقابله با فرقه‌های انحرافی در جهان امروز باشد.

واژگان کلیدی: حکمرانی علوی، عدالت اجتماعی، فرقه‌های انحرافی، نهج البلاغه، هوش مصنوعی

^۱ طلبه فارغ التحصیل سطح سه مرکز تخصصی مجتهد امین و استاد مدرسه علمیه سطح دو فاطمیه نجف آباد

Zgh1411@gmail.com

Abstract

Technological transformations, particularly in the field of Artificial Intelligence (AI), have created unprecedented opportunities and challenges for human societies. One of the most critical challenges is the proliferation of deviant sects and pseudo-intellectual movements within the framework of digital media and intelligent algorithms. These groups exploit data power, behavioral modeling, and psychological techniques to undermine the religious and cultural identity of younger generations. The central question of this study is: What strategies does “ethical governance in Nahj al-Balagha” offer for identifying and confronting these sects in the digital era?

Using a descriptive-analytical method and based on Nahj al-Balagha along with the works of Shi’a Muslim scholars, this article explores the ethical foundations of Alawi governance. The findings reveal that principles such as justice, critical rationality, social supervision, faith-based education, and cultural protection provide an effective framework for confronting new intellectual deviations within AI-driven environments. A comparative analysis with Western theories of digital governance demonstrates that while secular models are primarily focused on data control and hard power, Alawi governance combines justice and spirituality, thereby reinforcing communal identity and intellectual resilience. Consequently, Alawi governance can serve as a foundational model for developing an ethical framework for the application of AI in addressing the threats posed by deviant sects in the contemporary world.

Keywords: Nahj al-Balagha, Alawi governance, Artificial Intelligence, deviant sects, social justice

Introduction

The contemporary world is witnessing the rise of what may be termed a “digital civilization,” driven by Artificial Intelligence and data-based technologies. While AI offers significant potential for scientific, economic, and social development, it also provides fertile ground for emerging threats. Among the most critical of these threats is the reproduction and spread of deviant sects in cyberspace. By employing machine learning algorithms, behavioral data analysis, and targeted content generation, such groups have rapidly expanded their influence, particularly among younger generations.

Nevertheless, Islamic history shows that deviant sects are not a new phenomenon. During the caliphate of Imam ‘Alī (a), movements such as the Khawārij, Nakithīn, and Qāsītīn emerged by distorting religion and exploiting public emotions, plunging the Muslim community into severe crises. Imam ‘Alī’s response to these groups embodied a model of “ethical governance,” grounded not in blind repression but in rationality, justice, moral counsel, dialogue, and—when necessary—decisive defense of the truth.

Today, the Muslim world faces a similar challenge, though with more sophisticated tools of deviation. New sects and pseudo-spiritualities exploit digital media and AI algorithms to disseminate their doctrines more rapidly and effectively. The central research question is therefore: What strategies of ethical governance in Nahj al-Balagha can guide the identification and confrontation of deviant sects in the age of Artificial Intelligence?

Answering this question requires three fundamental steps:

Revisiting the ethical principles of Alawi governance in Nahj al-Balagha, particularly in dealing with deviant groups;

Analyzing the mechanisms of Artificial Intelligence in reproducing or reinforcing intellectual deviations;

Proposing a hybrid model of Alawi governance for managing contemporary digital threats.

Accordingly, this study seeks to integrate two seemingly distinct domains—Nahj al-Balagha as an authentic source of ethical governance, and AI as a modern reality of social management—in order to provide a scientific and practical framework for safeguarding the faith and identity of Muslim youth and society at large.

مقدمه

جهان معاصر شاهد ظهور پدیده‌ای است که می‌توان آن را «تمدن دیجیتال» نامید؛ تمدنی که موتور محرک آن هوش مصنوعی و فناوری‌های مبتنی بر داده است. این فناوری در عین حال که امکان رشد علمی، اقتصادی و اجتماعی را فراهم ساخته، بستری برای تهدیدات نوین نیز ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین این تهدیدها، بازتولید و گسترش فرقه‌های انحرافی در فضای مجازی است؛ فرقه‌هایی که با بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری ماشین، تحلیل داده‌های رفتاری و تولید محتوای هدفمند، توانسته‌اند به سرعت در ذهن و رفتار نسل جوان نفوذ کنند.

با این حال، تجربه تاریخی اسلام نشان می‌دهد که فرقه‌های انحرافی پدیده‌ای جدید نیستند. در دوران خلافت امام علی علیه السلام جریان‌هایی چون خوارج، ناکثین و قاسطین با قرائت‌های تحریف‌شده از دین و سوءاستفاده از احساسات عمومی، جامعه اسلامی را با بحران‌های عمیق مواجه ساختند. پاسخ امام علی علیه السلام به این جریان‌ها نمونه‌ای درخشان از «اخلاق حکمرانی» است؛ اخلاقی که نه بر سرکوب کور، بلکه بر عقلانیت، عدالت، نصیحت، مناظره و در نهایت دفاع قاطع از حقیقت استوار بود.

امروز نیز جامعه اسلامی با چالشی مشابه مواجه است؛ با این تفاوت که ابزار انحراف پیچیده‌تر شده است. فرقه‌های نوپدید و معنویت‌های دروغین با تکیه بر رسانه‌های دیجیتال و الگوریتم‌های هوشمند، بستری گسترده‌تر و سریع‌تر برای ترویج افکار خود یافته‌اند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که: اخلاق حکمرانی در نهج البلاغه چه راهبردهایی برای شناسایی و مقابله با فرقه‌های انحرافی در عصر هوش مصنوعی ارائه می‌کند؟

پاسخ به این پرسش مستلزم سه گام اساسی است:

۱. بازخوانی مبانی اخلاقی حکمرانی علوی در نهج البلاغه، به‌ویژه در مواجهه با جریان‌های انحرافی؛

۲. تحلیل سازوکارهای هوش مصنوعی در بازتولید یا تقویت انحرافات فکری؛

۳. ارائه الگویی ترکیبی از حکمرانی علوی برای مدیریت تهدیدات معاصر.

بر این اساس، این مقاله در پی آن است که با تلفیق دو حوزه به ظاهر متفاوت—نهج البلاغه به عنوان منبعی اصیل در اخلاق حکمرانی، و هوش مصنوعی به عنوان واقعیتهای نو در مدیریت اجتماعی—راهکاری علمی و عملی برای صیانت از هویت ایمانی جوانان و جامعه اسلامی ارائه دهد.

بیان مسئله، فرضیه و متغیرها

هوش مصنوعی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای علمی قرن بیست و یکم، توانایی‌های بی‌سابقه‌ای در حوزه پردازش داده، یادگیری ماشین و الگوسازی رفتاری ایجاد کرده است. این قابلیت‌ها در کنار فرصت‌های علمی و اجتماعی، تهدیدات فکری و فرهنگی تازه‌ای را نیز به همراه داشته است. یکی از مهم‌ترین این تهدیدها، بهره‌برداری فرقه‌های انحرافی از الگوریتم‌های توصیه‌گر و شبکه‌های اجتماعی برای تولید و توزیع محتوای شخصی‌سازی شده است؛ محتوایی که باورها و نگرش‌های کاربران را هدف قرار داده و امکان تأثیرگذاری مستقیم بر لایه‌های فکری و روانی آنان را فراهم می‌سازد (کاپلان و هینلین، ۲۰۲۰: ۵۰۵).

در چنین شرایطی، جامعه اسلامی برای صیانت از هویت دینی و فرهنگی نسل جوان نیازمند الگوهای اصیل و بومی حکمرانی است. نهج البلاغه، به عنوان میراث فکری امام علی (علیه السلام) الگویی روشن از حکمرانی اخلاقی ارائه می‌دهد که در آن اصولی چون عدالت، عقلانیت، تربیت ایمانی و نظارت اجتماعی مورد تأکید است (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۳۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۷، ص ۵۲).

پرسش اصلی این پژوهش آن است که: اخلاق حکمرانی در نهج البلاغه چه راهبردی برای شناسایی و مقابله با فرقه‌های انحرافی در عصر هوش مصنوعی ارائه می‌دهد؟

فرضیه اصلی چنین است: اصول حکمرانی علوی در نهج البلاغه—از جمله عدالت، عقلانیت انتقادی، نظارت اجتماعی، و صیانت فرهنگی—می‌تواند چارچوبی کارآمد برای شناسایی و مقابله با فرقه‌های انحرافی در بستر دیجیتال و الگوریتمی فراهم آورد.

متغیر مستقل: اصول اخلاق حکمرانی علوی (عدالت، عقلانیت، تربیت ایمانی، نظارت اجتماعی).

متغیر وابسته: توانایی جامعه اسلامی در شناسایی و مقابله با فرقه‌های انحرافی در عصر هوش مصنوعی.

متغیرهای مداخله‌گر: سلطه رسانه‌های غربی، سطح سواد رسانه‌ای جامعه اسلامی، و میزان بازتولید اندیشه علوی در نهادهای فرهنگی.

پژوهش‌های پیشین عمدتاً به بررسی اخلاق حکمرانی در نهج‌البلاغه یا تحلیل فرقه‌های انحرافی پرداخته‌اند، اما کمتر به پیوند این دو حوزه در بستر فناوری‌های نوین توجه شده است. مقالاتی مانند «مبانی انسان‌شناسی اخلاق دینی در نهج‌البلاغه» (نظری و بیانی، ۱۳۹۷) و «ضرورت توجه به مبانی اخلاق در تحقق اخلاق اجتماعی» (دبیری و همکاران، ۱۴۰۲) به ابعاد اخلاقی نهج‌البلاغه پرداخته‌اند. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی در حوزه اخلاق هوش مصنوعی مانند «اخلاق هوش مصنوعی: اصول ارتباطی انسان با خدا، خود، دیگران و محیط» (مهدوی نور و آرام، ۱۴۰۳) نیز به چالش‌های اخلاقی فناوری پرداخته‌اند. نوآوری مقاله حاضر در تلفیق این دو حوزه و ارائه الگویی عملیاتی از نهج‌البلاغه برای حکمرانی اخلاقی در مواجهه و شناسایی فرقه‌های انحرافی در عصر دیجیتال است.

مفهوم‌شناسی حکمرانی علوی در نهج‌البلاغه

۱. حکمرانی به مثابه مسئولیت الهی

در نگاه امام علی علیه السلام حکومت نه طعمه‌ای برای بهره‌مندی شخصی، بلکه امانتی الهی است که حاکم باید آن را با عدالت و تقوا به سرانجام برساند. در خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه آمده است:

«إِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ، وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ»؛ کار حکومت برای تو طعمه نیست، بلکه مسئولیتی است بر گردن تو.

این بیان نشان می‌دهد که در نگرش علوی، حاکم مسئول صیانت از دین و جامعه است و چنین مسئولیتی مستقیماً به اخلاق و معنویت پیوند دارد. چنین نگرشی می‌تواند مبنای مقابله با فرقه‌های انحرافی در عصر هوش مصنوعی باشد؛ چرا که تنها با نگاه ابزاری به قدرت نمی‌توان با جنگ نرم مقابله کرد، بلکه باید حاکمیت بر پایه مسئولیت الهی سامان یابد.

۲. عدالت به عنوان رکن اساسی حکمرانی

امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ به مالک اشتر، عدالت را مهم‌ترین وظیفه والی دانسته و می‌فرماید:

«فَإِنَّ النَّاسَ إِنَّمَا يَصْلُحُونَ عَلَى قَدَرِ عَدْلٍ وَلَا تِهِم»؛ مردم تنها به اندازه عدالت و الیانشان اصلاح می‌شوند.

عدالت علوی نه فقط در تقسیم بیت‌المال، بلکه در عرصه معرفتی و فرهنگی نیز معنا دارد. اگر رسانه‌ها و فناوری‌های نوین تحت سیطره عدالت قرار نگیرند، زمینه سوءاستفاده فرقه‌های انحرافی فراهم می‌شود. در عصر هوش مصنوعی، عدالت به معنای برابری در دسترسی به داده‌های صحیح، مقابله با تبعیض الگوریتمی، و جلوگیری از سلطه فرقه‌ای بر اطلاعات است.

راهکارهای عملی مبتنی بر نهج البلاغه در مقابله با فرقه‌های انحرافی در عصر هوش مصنوعی

۱. روشنگری و جهاد تبیین

امام علی علیه السلام در برابر ناکثین و خوارج، نخستین اقدام خود را آگاهی‌بخشی و افشای حقیقت قرار دادند. در خطبه ۱۳۲ تصریح می‌کنند که بسیاری از مخالفان از سر اجبار و ترس بیعت کرده‌اند، نه از ایمان واقعی (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: نهج البلاغه). این نشان می‌دهد که امام همواره بر افشای نفاق و رفع شبهات تأکید داشتند.

در عصر هوش مصنوعی، این اصل به معنای تولید محتوای صحیح، جذاب و چندرسانه‌ای در فضای مجازی است. استفاده از الگوریتم‌های هوشمند برای انتشار آگاهانه محتوای دینی و مقابله با موج اخبار جعلی، شکل امروزی همان روشنگری علوی است (خامنه‌ای، ۱۴۰۰: بیانات جهاد تبیین).

۲. عقلانیت انتقادی و تقویت سواد رسانه‌ای

امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ به امام حسن (ع) فرمودند: «قُوَّةٌ بِالْيَقِينِ وَنُورَةٌ بِالْحِكْمَةِ»؛ یعنی قلبت را با یقین نیرو بخش و با حکمت روشن گردان. (نهج البلاغه، نامه ۳۱). این بیان، دعوت به عقلانیت انتقادی و بصیرت در برابر فتنه‌هاست.

ترجمه امروزی این اصل، سواد رسانه‌ای و سواد دیجیتال است؛ جامعه باید بداند که چگونه در برابر الگوریتم‌ها، پروپاگاندا و اخبار جعلی مقاومت کند. فرقه‌های انحرافی با سوءاستفاده از ضعف شناختی جوانان نفوذ می‌کنند؛ راه مقابله، همان تربیت عقلانی است که امام علی علیه السلام بر آن تأکید داشتند.

۳. عدالت رسانه‌ای و مقابله با تبعیض الگوریتمی

عدالت، ستون اصلی حکمرانی علوی است. امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر می‌نویسند: «فَإِنَّ النَّاسَ إِنَّمَا يَصْلُحُونَ عَلَى قَدْرِ عَدْلِ وَلَا تِهِم» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در عصر هوش مصنوعی، این اصل معادل عدالت رسانه‌ای است:

جلوگیری از انحصار فرقه‌ها و قدرت‌های خارجی بر داده‌ها.

نظارت بر الگوریتم‌ها برای جلوگیری از تبعیض فکری و فرهنگی.

ایجاد دسترسی برابر به محتوای صحیح و منابع معتبر برای همه اقشار.

۴. نظارت اجتماعی و امر به معروف در فضای دیجیتال

امام علی علیه السلام در خطبه ۲۱۶ اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را بالاتر از سایر اعمال دانسته‌اند. این اصل، بنیان نظارت اجتماعی در جامعه علوی است (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶).

در فضای مجازی امروز، این اصل به معنای ایجاد سازوکارهای مردمی برای گزارش، مقابله و نقد محتوای انحرافی است. همان‌طور که امام علی علیه السلام بر مشارکت عمومی در اصلاح جامعه تأکید داشتند، اکنون نیز جامعه باید در فضای دیجیتال فعال و ناظر باشد.

۵. صیانت فرهنگی و بازسازی هویت ایمانی

امام علی علیه السلام در خطبه ۸۷ فرمودند: «فَإِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ جَمَعَ حِزْبَهُ، وَاسْتَجَلَبَ خَيْلَهُ وَرَجُلَهُ»؛ یعنی شیطان نیروهای خود را بسیج کرده است (نهج البلاغه، خطبه ۸۷). این هشدار بیانگر آن است که هجمه‌های فرهنگی و فکری همواره سازمان‌یافته‌اند.

در عصر هوش مصنوعی، صیانت فرهنگی یعنی بهره‌گیری از فناوری برای تقویت هویت دینی:

طراحی اپلیکیشن‌های هوش مصنوعی برای آموزش قرآن و نهج البلاغه.

ایجاد فضای دیجیتال جذاب برای نسل جوان، به جای رها کردن آنان در دام معنویت‌های کاذب.

الگوسازی از امام علی علیه السلام در مدیریت بحران‌های فرهنگی.

۶. اقدام قاطع در برابر تهدیدات سازمان‌یافته

امام علی علیه السلام در برابر خوارج سه مرحله را پیمودند: گفت‌وگو، مدارا، و در نهایت اقدام نظامی در نهروان (طبری، ۱۴۰۸ق: تاریخ؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۱۰، ص ۱۱۲).

در جهان دیجیتال نیز، اگر فرقه‌های انحرافی با استفاده از هوش مصنوعی امنیت جامعه را تهدید کنند، باید علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی، اقدامات قاطع حقوقی و قانونی نیز صورت گیرد؛ از جمله:

جرم‌انگاری تبلیغات انحرافی در فضای سایبری.

ایجاد نهادهای نظارتی برای مقابله با سوءاستفاده از فناوری.

همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی برای جلوگیری از سوءاستفاده فرقه‌ها از بسترهای جهانی.

جمع‌بندی

از منظر نهج‌البلاغه، مقابله با فرقه‌های انحرافی تنها با ابزار سرکوب ممکن نیست، بلکه باید ترکیبی از روشنگری، عقلانیت، عدالت، نظارت اجتماعی، صیانت فرهنگی و اقدام قاطع به کار گرفته شود. این همان الگویی است که می‌تواند در عصر هوش مصنوعی نیز کارآمد باشد. امام علی علیه السلام با نگاه جامع خود، الگویی ارائه دادند که حتی امروز نیز راهگشای مدیریت بحران‌های معرفتی و فرهنگی در دنیای دیجیتال است.

نتیجه‌گیری

فرقه‌های انحرافی، چه در تاریخ اسلام و چه در عصر دیجیتال، همواره در پی ایجاد تفرقه و استحاله هویتی در امت اسلامی بوده‌اند. بررسی تجربه امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که آن حضرت با بهره‌گیری از اصولی چون عدالت، عقلانیت، شفافیت، و صیانت فرهنگی، توانست در برابر گروه‌هایی چون ناکثین، قاسطین و خوارج ایستادگی کند. این اصول نه صرفاً راهبردهای تاریخی، بلکه مبانی ماندگار حکمرانی علوی‌اند که قابلیت بازخوانی در شرایط نوین را دارند.

در عصر هوش مصنوعی، تهدیدهای فرقه‌ای با بهره‌گیری از فناوری‌های نوینی همچون الگوریتم‌های شخصی‌سازی، اتاق‌های پژواک، اخبار جعلی و دیپ‌فیک‌ها بازتولید شده‌اند. این تهدیدات اگرچه ابزارشان تغییر یافته، اما ماهیتشان همان سوءاستفاده از احساسات و ضعف‌های معرفتی انسان است. بنابراین، تجربه امام علی علیه السلام در مواجهه با فرقه‌ها می‌تواند الهام‌بخش الگوی مقابله امروزی باشد. یافته‌های پژوهش نشان داد که:

عدالت علوی می‌تواند مبنای طراحی نظام عادلانه داده و جلوگیری از تبعیض الگوریتمی قرار گیرد.

عقلانیت انتقادی در نهج‌البلاغه، راهکاری برای ارتقای سواد رسانه‌ای و مصونیت جامعه از تبلیغات انحرافی است.

نظارت اجتماعی بر اساس امر به معروف و نهی از منکر، الگویی برای مشارکت مردمی در مدیریت فضای مجازی به شمار می‌رود.

تربیت ایمانی و معرفتی سپر اصلی در برابر معنویت‌های کاذب و جریان‌های شبه‌مذهبی دیجیتال است.

صیانت فرهنگی در حکمرانی علوی، جامعه را در برابر هجمه‌های نرم سازمان‌یافته حفظ می‌کند.

مقایسه تطبیقی با الگوهای غربی نشان داد که نظریه‌های سکولار در حکمرانی دیجیتال عمدتاً بر کنترل داده و ابزارهای فنی تکیه دارند، در حالی که حکمرانی علوی با ترکیب عدالت، معنویت و عقلانیت، توان مقابله فرهنگی و معرفتی را افزایش می‌دهد. به بیان دیگر، امام علی علیه السلام الگویی ارائه می‌کند که نه تنها به «مدیریت بحران» می‌پردازد، بلکه به «بازسازی هویت» امت اسلامی نیز توجه دارد.

بنابراین، اخلاق حکمرانی در نهج البلاغه می‌تواند چارچوبی نظری و عملی برای صیانت از هویت دینی جامعه اسلامی در عصر هوش مصنوعی باشد؛ چارچوبی که در کنار ابزارهای فنی و حقوقی، بر پایه ایمان، عدالت و عقلانیت، ظرفیت مقاومت فرهنگی و معرفتی جامعه را ارتقا می‌بخشد.

فهرست منابع

*قران کریم

*نهج البلاغه

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین. (۱۴۰۴ق.) شرح نهج البلاغه. بیروت: دار احیاء التراث العربی،
۲. امام خمینی. (۱۳۷۹ش.) صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،
۳. امام خمینی. (۱۳۷۸ش.) ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،
۴. جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۶ش.) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری،
۵. جواد آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ش.) ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت. قم: مرکز نشر اسراء،
۶. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق.) نهج البلاغه. قم: دارالهجره،
۷. شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق.) الخصال. قم: جامعه مدرسین،
۸. شیخ مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق.) الإرشاد. قم: کنگره شیخ مفید،
۹. شیخ مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق.) الجمل. قم: کنگره شیخ مفید،
۱۰. طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق.) المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی،
۱۱. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۰۸ق.) تاریخ الطبری. بیروت: دارالتراث،
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ش.) الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة،
۱۳. خامنه‌ای، سید علی. (۱۴۰۳ش.) مجموعه بیانات. تهران: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، دسترسی
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹ش.) نظریه سیاسی اسلام. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی،
۱۵. نصر بن مزاحم منقری. (۱۴۱۰ق.) واقعة صفین. قم: انتشارات الهادی،